

## بسم الله الرحمن الرحيم

سیدنا حضرت خلیفه المسیح الخامس ایدہ اللہ تعالیٰ بنصرہ العزیز بتاريخ ۲۳ اوت ۲۰۱۹ از بیت مبارک، اسلام آباد تلفرد خطبه جمعه ارشاد فرمودند که با تراجم در زبانهای مختلف بر ایتم تی ای زنده پخش شد.

آن حضرت فرمودند: در ادامه‌ی ذکر خیر اصحاب بدری، از صحابی‌ای که امروز ذکر خیرش می‌کنم، اسمش حضرت عاصم بن عدی رضی الله عنه است. نام پدرش عدی بود. حضرت عاصم از قبیله‌ی بنوعجلان بن حارثه بود که همپیمان با قبیله‌ی بنو زید بن مالک بود. وی سردار بنو عجلان و برادر حضرت معن بن عدی بود. کنیه‌ی حضرت عاصم، ابوبکر تعریف می‌شود اما به باور بعضی افراد کنیه‌اش ابو عبدالله، ابو عمر و ابو عمرو هم بود.

حضرت عاصم قد متوسط داشت و موهای سر خود را حنا می‌زد. نام پسرش ابو البردا و نام دخترش سهله بود که با حضرت عبدالرحمن بن عوف ازدواج کرده بود و از او چهار فرزند داشت که از آنها سه پسر: معن، عمر و زید بودند و یک دختر به نام امه‌الرحمن صغری بود. هنگامی که حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم آماده‌ی رفتن به جنگ بدر شدند، حضرت عاصم بن عدی را امیر قبا و منطقه‌ی بالای مدینه منصوب کردند. و در روایتی این امر نیز نقل شده است که آن حضرت از مقام روحه حضرت عاصم را امیر منطقه‌ی بالای مدینه منصوب نموده و بازگرداندند ولی باوجود آن وی را از اصحاب بدر شمردند و از اموال غنیمت هم برای او سهمی تعیین فرمودند. حضرت میرزا بشیر احمد در کتاب سیرت خاتم النبیین شرح این رویداد را اینگونه نوشته است که در هنگام خارج شدن از مدینه، حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم در غیاب خود عبدالله بن مکتوم را امیر مدینه منصوب کرده بودند ولی زمانی که به مقام روحه رسیدند که از مدینه به مسافت ۳۶ مایل واقع است، به گمان غالب با توجه به این که عبدالله نابیناست و اخبار آمدن لشکر قریش اقتضا می‌کرد که در غیاب آن حضرت نظم و مدیریت مدینه قوی و محکم بماند، ایشان ابو لبابه بن منذر را امیر مدینه منصوب نموده و بازگرداندند و درباره عبدالله بن مکتوم دستور دادند که او فقط امام نماز باقی می‌ماند اما کارهای مدیریت را ابولبابه انجام خواهد داد و برای منطقه‌ی بالای مدینه یعنی قبا آن حضرت عاصم بن عدی را امیر منصوب فرمودند.

حضرت عاصم در غزوه‌ی احد، خندق و تمام غزوات دیگر به همراه حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم شرکت کرد. حضرت عاصم در ۴۵ هجری در دوران حکومت حضرت معاویه درگذشت و در هنگام وفات سنش ۱۱۵ سال بود و به باور بعضی افراد وی ۱۲۰ سال عمر کرد.

حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم وقتی به صحابه‌ی کرام دستور دادند که برای غزوه‌ی تبوک آمادگی کنند، همزمان به افراد ثروتمند دعوت نمودند که در راه خدا فداکاری کنند و اموال و سواری‌ها تقدیم کنند. وانگهی افراد مختلف طبق توان مالی خود فداکاری نمودند. در همین موقع حضرت ابوبکر تمام دارایی خود را که چهار هزار درهم بود، آورد. حضرت عمر نصف دارایی خانه‌ی خود را آورد. حضرت عبدالرحمن بن عوف آن زمان صد اوقیه داد. آن زمان خانم‌ها هم زیورآلات خود را تقدیم نمودند و در همین موقع حضرت عاصم بن عدی، هفتاد وسق خرما پیشکش کرد. وزن تمام خرماها ۲۶۲ من است. حضرت عاصم بن عدی یکی از آن اصحاب است که حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم به آنها دستور داده بودند که مسجد ضرار را ویران کنند. آن حضرت شرح ویران کردن مسجد ضرار را بیان فرمودند.

آن حضرت فرمودند: حضرت مسیح موعود علیه السلام هم وقتی به دهلی سفر کردند، با دیدن جامع مسجد دهلی فرمودند: مسجد بسیار زیباست اما زیبایی مساجد بسته به عمارت و ساختمانش نیست بلکه با نمازگزارانش است که مخلصانه نماز می‌خوانند. آن حضرت افزودند: وگرنه این تمام مساجد ویران است. در آن دوران بسیاری از مساجد ویران هم بود. مسجد حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم بسیار کوچک بود و در اوایل سقفش با شاخه‌های درخت خرما ساخته شده بود و وقتی باران می‌آمد، از آن آب می‌چکید. آن حضرت فرمودند: شان و شکوه مسجد با نمازگزاران است. در دوران حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم دنیاداران هم مسجدی بنا کرده بودند ولی آن را به دستور خدا ویران کردند. نام آن، مسجد ضرار بود یعنی مسجدی که مضر و آسیب‌رسان است، آن مسجد به خاک یکسان شد. آن حضرت فرمودند: برای مساجد دستور این است که برای ایجاد تقوا ساخته شوند. پس این حقیقت اصلی مسجد است. باید که تلاش کنیم که اساس و بنیان مساجد ما بر تقوا باشد. ما با توجه به تقوا جهت آباد کردن این مساجد بیاییم. حقیقت اصلی همین است مادامی که این برقرار می‌ماند ان شاء الله تعالی وارث افضال خداوند متعال هم خواهیم ماند.

صحابی دیگر که ذکر خیرش می‌شود، نام او حضرت عمرو بن عوف است. نامش، عمیر هم نقل شده است. نام پدرش عوف بود. کنیه‌ی حضرت عمرو، ابو عمرو بود. وی در مکه به دنیا آمد و به نظر ابن

سعد وی از اهالی یمن بود. به عقیده امام بخاری، حضرت عمرو بن عوف انصاری همپیمان با قبیله‌ی بنو عامر بن لوئی قریش بود در حالی که ابن حشام و ابو سعد وی را از خاندان قریش به نام بنو عامر بن لوئی قرار داده‌اند. علامه بدر الدین عینی شارح بخاری اینطوری این مسئله را باهم تطبیق داده است که می‌گوید: در حقیقت حضرت عمرو بن عوف از قبیله‌ی انصار اوس یا خزرج بود و وی به مکه رفت و در آنجا ساکن شده و با بعضی افراد آنجا حلیف و همپیمان شده بود و از این لحاظ او هم انصاری بود و هم مهاجر. حضرت عمرو بن عوف از افرادی بود که در بسیار اوایل ایمان آورده بودند. حضرت عمرو بن عوف در هنگام هجرت از مکه به مدینه در منزل حضرت کلثوم بن الهمد اقامت نمود. حضرت عمرو بن عوف در غزوه بدر، غزوه احد، غزوه خندق و تمام غزوات دیگر به همراه حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم شرکت کرده بود. وی در دوران خلافت حضرت عمر درگذشت و نماز میتش را حضرت عمر اقامه فرمود.

صحابی بعدی که ذکر خیرش می‌شود، اسمش حضرت معن بن عدی است. حضرت معن همپیمان با قبیله‌ی انصار بنو عمرو بن عوف بود. حضرت معن برادر حضرت عاصم بن عدی بود که ذکر خیرش قبلاً گذشته است. حضرت معن به همراه هفتاد انصار در بیعت عقبه شرکت کرد. وی قبل از اسلام آوردن هم کتابت عربی را بلد بود در حالی که در آن زمان افراد بسیار اندکی در عرب کتابت عربی را بلد بودند. حضرت معن در غزوه بدر، احد، خندق و تمام غزوات دیگر به همراه حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم شرکت کرد. وقتی حضرت زید بن خطاب از مکه به مدینه مهاجرت کرد، حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم بین حضرت معن بن عدی و زید بن خطاب پیمان برادری برقرار نمودند.

حضرت عمر تعریف می‌کند که وقتی حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم درگذشتند، من به حضرت ابوبکر گفتم که به همراه ما نزد برادران انصار بروید. ما رفتیم و در میان راه دو نفر نیکوکار از آنها با ما برخورد کردند که در غزوه بدر شرکت کرده بودند. من برای عروه بن زبیر تعریف کردم، او گفت: آن دو نفر حضرت عویم بن ساعده و حضرت معن بن عدی بودند.

حضرت عروه بن زبیر تعریف می‌کند که زمانی که خداوند متعال حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم را وفات داد، مردم بسیار گریه کردند و گفتند: به خدا قسم، می‌خواستیم که قبل از آن حضرت صلی الله علیه و سلم بمیریم چون می‌ترسیدیم که پس از آن حضرت صلی الله علیه و سلم دچار فتنه شویم. حضرت معن که ذکر خیرش جاری است، گفت: به خدا قسم، من اینگونه نمی‌خواستیم. مردم

می‌گفتند که قبل از ایشان بمیرند ولی حضرت معن گفت: نخیر، من نمی‌خواستم که قبل از آن حضرت صلی الله علیه و سلم بمیرم چون تا وقتی که من پس از وفات حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم، همانگونه ایشان را تصدیق نکنم که در حین حیاتشان کرده بودم، نمی‌خواهم بمیرم. چنانکه من ایشان را به عنوان نبی پذیرفته بودم همانگونه پس از وفاتشان مادامی که من این امر را تایید و تصدیق نکنم که این همان نظامی است که ایشان پیشگویی آن فرموده بودند و دوران خلافت راشده شروع شده است و همان را باید ادامه دهیم و به دام منافقان و مرتدان نیفتیم، نمی‌خواهم بمیرم.

پس همین آن سطح ایمان است که هر احمدی باید به آن برسد. بنا به روایتی حضرت معن پس از وفات حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم در سرکوبی مرتدان و سرکشان به همراه حضرت خالد بن ولید کار کرد و حضرت خالد بن ولید وی را به همراه دویست اسب‌سوار به طرف یمامه به عنوان دسته‌ی هراول فرستاده بود. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم بین حضرت معن بن عدی و حضرت زید بن خطاب عقد اخوت و برادری برقرار فرموده بودند. این هر دو صحابی در دروان خلافت حضرت ابوبکر در ۱۲ هجری در اثنای جنگ یمامه به شهادت رسیدند.

خداوند متعال به هر احمدی توفیق دهد که مقام نبوت را درک کند و با خلافت ارتباطی مبتنی بر وفاداری و اخلاص برقرار نماید.